گپ روز

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت‌وگو با «شهروند» مطرح کرد:

بی‌نیازی از بهزیستی، اولویتی برای مددجویان

طرح نو/ یکی از اصطلاحاتی که در زمینه موضوعات حمایتی جایگاه کلیدی دارد واژه «مددجو» است. این واژه امروز در سازمان‌های رفاهی کاملا پذیرفته‌شده است. الفاظ معادل و هم‌تراز دیگری هم برای «مددجو» وجود دارد که در محافل و موقعیت‌های مختلف از آنها استفاده می‌شود مثل مراجعه کننده، تانخواه یا توانیاب. مفهوم اصلی تمامی این واژه‌ها که رایج‌ترین آنها مددجو است، به افرادی برمی‌گردد که در شرایط نامناسبی قرار گرفته‌اند و بدون دخالت و حمایت سازمان‌ها، موسسات یا مددکاران، قادر به حل‌وفصل مشکلات خود نیستند. کسی که به‌طور کلی نیازمند مدد و کمک است؛ به‌ویژه که براساس تئوری‌های قدیمی‌تر مددکاری اجتماعی، اصل بر آن است که تا مددجو طلب کمک نکند و اجازه خدمت‌رسانی ندهد، مددکار اجتماعی وارد مداخله نخواهد شد. اما امروزه با گسترش رویکردهای حمایتی این تئوری‌ها به چالش کشیده شده‌اند. در تئوری‌های جدید، تأکید بر این است که خدمات اجتماعی و روانی باید در بهترین وجه در دسترس و اختیار انسان‌ها باشد. در کشور ما متولی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) است. اشتغال و توانمندی مددجویان و گروه‌های تحت‌پوشش نهادهای حمایتی از مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. «شهروند» به بهانه نشستی که اخیرا کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با مسئولان سازمان بهزیستی داشته، با عبدالرضا عزیزی رئیس این کمیسیون گفت‌وگویی داشته که در ادامه آمده است.

ارتباط مجلس و سازمان بهزیستی به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد حمایتی گروه‌های مددجو، در چه چهارچوبی تعریف می‌شود؟ مجلس نظارتی بر عملکرد این سازمان دارد؟

سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی دو نهاد اصلی متولی امور حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند و در راستای مسئولیت‌های تعریف‌شده و اعتباراتی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، به این امور می‌پردازند، براساس اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی سازمان بهزیستی متولی امور محرومان و معلولان کشور است و از مهم‌ترین اهداف سازمان تأمین مسکن و ایجاد زمینه اشتغال افراد تحت پوشش است. اخیرا در نشست هم‌اندیشی مسئولان بهزیستی با کمیسیون اجتماعی مجلس، با توجه به تغییرات سازمان بهزیستی عنوان شد که اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس اعتقاد دارند باید ارتباط خود را با سازمان بهزیستی، کمیته امداد و دانشگاه علوم بهزیستی تقویت کنند و این کار باعث ارایه خدمات مطلوب‌تر خواهد بود. فراهم‌ساختن شرایط اشتغال مددجویان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک ما است. بر همین اساس ما برای اشتغال مددجویان بهزیستی و کمیته امداد امام‌خمینی در بودجه‌سال ۹۴ اعتبار لازم را پیش‌بینی کرده‌ایم. در این میان حتی رقابتی بین دو نهاد ایجاد و اعلام کرده‌ایم هر یک از این دو سازمان یعنی کمیته امداد امام‌خمینی و سازمان بهزیستی که تا آذرماه سال ۹۴ نتوانست اعتباراتش را جذب کند، طرف مقابل که توانسته در جذب اعتبارات موفق باشد می‌تواند از این اعتباراتی که مجلس برای طرف دیگر پیش‌بینی کرده است هم برخوردار شود. ما در این زمینه شرایط مساعدی را برای دو نهاد حمایتی ایجاد کرده‌ایم و امیدواریم در یک رقابت سالم این دو نهاد از امتیازهای پیش‌بینی شده حداکثر استفاده را داشته باشند.

در کشور ما متولی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) است. اشتغال و توانمندی مددجویان و گروه‌های تحت‌پوشش نهادهای حمایتی از مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

تأثیر مستقیمی که این هماهنگی می‌تواند بر مددجو داشته باشد، چیست؟

سازمان بهزیستی درواقع باید برنامه‌ریزی دقیقی برای استفاده از ظرفیت‌های فعلی انجام دهد چرا که ارتباط و بهره‌برداری صحیح از اعتبارات می‌تواند در ارایه خدمات به جامعه هدف موثر باشد و شرایط اشتغال با استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل موجود در کشور، شرایط اشتغال مددجویان را فراهم کند که در این زمینه نیز مجلس شورای اسلامی آمادگی هر نوع همکاری و تعامل را دارد. بسیاری از مددجویان و محرومان در مناطق روستایی از مطالبات خود بی‌خبر یا کم‌خبرند و نمی‌دانند برای دریافت تسهیلات از کجا شروع کنند که در این زمینه نیز باید شرایط لازم فراهم شود. تأثیر مستقیم و هدف اصلی ما از این هماهنگی‌ها این است که بتوانیم مددجویان را از بهزیستی بی‌نیاز کنیم. به عبارت دیگر کسانی که پس از حمایت‌های سازمان، به درجه‌ای از خودکفایی می‌رسند و توان کارکردن دارند، دیگر نیازمند بهزیستی نباشند و به نوعی توانمند شوند.

نقش مجلس در این توانمندسازی یا به استقلال مددجویان از نهادهای حمایتی چیست؟

همانطور که اشاره کردم مجلس در کل دو وظیفه قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون را برعهده دارد. در مورد اشتغال مددجویان همان‌طور که در نشست مشترک با بهزیستی کمیسیون اجتماعی اعلام آمادگی کرد که همکاری لازم را با نهادهای مربوطه داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های سازمان بهزیستی ساماندهی کودکان کار و کودکان خیابانی است؛ در این حوزه مجلس دستور کاری برای پیگیری موضوع دارد؟

در همین نشست مسأله کودکان کار، خیابانی و همچنین کودکان بدسرپرست و بی سرپرست مطرح شد. در این موضوع دو مشکل وجود دارد که ما در کمیسیون اجتماعی باید برای حل آن، طرحی به مجلس ارایه دهیم. یکی این‌که دو نفر می‌آیند و شهادت می‌دهند در مورد یک کودک که مثلا این کودک متعلق به آقای فلانی است و باید آزاد شود. دوم، معضل کودکان کار که از اتباع خارجی هستند. این دو معضل در این موضوع مطرح است و باید اقدامات لازم برای رفع آن صورت گیرد. پدیده کودکان کار و خیابان یکی از بدترین معضلات اجتماعی ما است که به مسئولان بهزیستی هم عنوان کردیم باید برنامه‌ریزی و راهکار مناسب برای حل این مشکل ارایه دهند، اعتبارات موردنیاز در این حوزه را به مجلس اعلام کنند ما هم حداکثر تعامل را با این سازمان خواهیم داشت تا هر طرحی را که کمک‌کننده است تصویب کنیم و امیدواریم که دیگر هیچ کودک خیابانی و کاری در خیابان‌ها نبینیم.

همه ما در زمان برگزاری اجلاس سران در کشور شاهد بودیم که در کمترین زمان ممکن این کودکان از سطح خیابان جمع‌آوری شدند اما پس از پایان اجلاس دوباره به خیابان‌ها برگشتند. البته در این بخش با ایرادات و مشکلات دیگری هم روبه‌رو هستیم چرا که دستگاه‌های متعددی ازجمله قوه قضائیه، نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و سازمان بهزیستی مسئول هستند و هر کدام در عین این‌که به وظایف خود عمل می‌کنند باید هماهنگی درستی هم با هم داشته باشند تا بتوانیم هر چه سریعتر به نتیجه برسیم.

نگاه فرهنگی

ادامه از صفحه ۹ | مشکل اساسی که در روند اجرای قوانین حقوق شهروندی در کشور ما وجود دارد، لزوم تغییر برخی نگرش‌ها نسبت به مقررات جزایی و کیفری است. ما در برخی از موارد شاهد هستیم که قانون ناظر بر اعدام مجرمان مانند قاچاقچیان مواد مخدر است. این اتفاق به‌رغم مخالفت قوانین بین‌المللی رخ می‌دهد. درحالی‌که از دیدگاه جرم‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی، اعدام مجرمان هیچ‌گاه اثر بازدارندگی و جلوگیری‌کننده از ادامه ارتکاب چنین جرایمی نداشته است. شاهد ادعای من این است که اعدام گسترده قاچاقچیان موادمخدر در سال‌های گذشته نه‌تنها باعث کاهش ارتکاب جرم نشده بلکه در بسیاری از موارد نوعی اجباری میان مجرمان و متولیان قانون ایجاد کرده و بر تعداد قاچاقچیان نیز افزوده است.

درحالی‌که قانون بهتر است بر عوامل و آسیب‌شناسی وقوع جرم متمرکز شود و دلایلی که این افراد به سمت ارتکاب چنین جرایمی کشیده می‌شوند، کار کنند؛ مثل بیکاری، نداشتن امکانات زندگی. دیگر نقطه‌ضعفی که در زمینه عدم تحقق رعایت حقوق شهروندی وجود دارد، این است که باید کمیسیونی متشکل از اساتید حقوق، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی به همراه فقهای معظم شکل گیرد و قوانین حقوق بشر را با قوانین فقهی و اسلامی مقایسه کنند و مواردی که مصلحت نظام مقدس اسلامی ایجاب می‌کند، قوانینی بنا بر مصالح جامعه تنظیم شود. امروز ما شاهد هستیم که دولت اسلامی ترکیه با فقها و روحانیون آن کشور رایزنی کرده و آنها را مجاب کرده که برای مطرح شدن ترکیه در مجامع بین‌المللی و از بین رفتن رکود اقتصادی و بیکاری، بهتر است که مجازات‌های شدید مثل اعدام و شلاق برای مدتی محدود متوقف شود، فقها این استدلال را پذیرفته‌اند و همین تعطیل شدن موقت مجازات‌های خشن موجب استقبال چشمگیر شرکت‌های بزرگ بازرگانی جهت سرمایه‌گذاری در ترکیه و افزایش امنیت این کشور و ارزآوری و از بین رفتن رکود اقتصادی شده است.

ما می‌توانیم از تجربه موفق کشور همسایه خود الگوبرداری کنیم و وقتی دیدیم که این کشور در دگرگونی و تدوین قوانین جزایی‌اش موفق شده است، می‌توانیم همان روش را برای رونق و آبادانی بیش از پیش کشور به‌عنوان یک الگو مدنظر داشته باشیم.

جامعه توانمند

نگاهی به ضرورت‌های توانمندسازی جوامع درحال گذار (بخش اول)

جامعه توانمند و ضرورت مشارکت فعالانه

محمود مشفق
پژوهشگر و استاد دانشگاه

مفهوم توانمندی جامعه، ادراکات و برداشت‌های مختلفی را به ذهن متبادر می‌سازد. اما آنچه مسلم است این است که توانمندی و قدرت یک جامعه موضوعی چندوجهی، نظام‌مند، هندسی، ارگانیک و زمانمند است، توانمندی یک جامعه در یک عامل مسلط همانند شرایط جغرافیایی، قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت سیاسی و... خلاصه نمی‌شود، بلکه به مجموعه‌ای از عوامل در هم تنیده و سازواری چون شرایط جغرافیایی، اقتصاد، تاریخ، ساختار اجتماعی- فرهنگی، دانش، مدیریت، حکومت، تکنولوژی و... وابسته است.

تاریخ تمدن بشری نشان داده است که همیشه یک جامعه توانمند، توانمند باقی نخواهد ماند یا یک جامعه ضعیف همچنان ضعیف باقی نخواهد ماند. در قرآن کریم سوره قصص آیه پنج آمده است: «و اراده کرده‌ایم که بر آنان که در زمین ضعیف انگاشته شده‌اند، منت دهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم». در این نوشتار با استناد به منابع معتبر و علمی می‌خواهیم نشان دهیم که یک جامعه توانمند از چه ویژگی‌های عمده‌ای برخوردار است. این موضوع از نظرگاه‌های مختلف ازجمله جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و... قابل مطالعه و بررسی است.

ویل دورانت عوامل توانمندی و قدرت یک جامعه را عبارت از نظمی می‌داند که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی، امکان‌پذیر شود و جریان یابد. وی چهار رکن را پیش‌نیاز و ضرورت شکل‌گیری یک جامعه توانمند برمی‌شمارد: ۱- پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی. ۲- ساختار و سازمان سیاسی و حکمرانی. ۳- سنن اخلاقی. ۴- کوشش در راه کسب معرفت (دورانت،۱۳۷۸: ۱۶).

براساس ادبیات مدرن جامعه‌شناسی معاصر، یک جامعه توانمند، جامعه‌ای است که توسعه‌یافته و پیشرفته باشد. اندیشمندان، توسعه را فرآیندی چندبعدی و برنامه‌ریزی شده دانسته‌اند که شرایط و فضایی فراهم می‌آورد تا در آن انسان‌ها دارای یک زندگی سالم، خلاق و موثر باشند. نظریات توسعه و نوسازی با مفروض دانستن این‌که جوامع غربی، جوامعی توانمند هستند تلاش کرده‌اند توضیح دهند که موانع و مسیرهای توسعه‌یافتن یا به عبارتی توانمندشدن یک جامعه چیست. نظریات متاخر جامعه‌شناسی ازجمله نظریه ساختی - کارکردی بر مفروض دانستن مفهوم توانمندی در اثربخشی و کارایی، یک جامعه توانمند را یک جامعه نظام‌مند و ارگانیک می‌دانند که هر نقش و خرده نظام اثر مثبتی در تداوم حیات اجتماعی داشته باشد. برخی از صاحبنظران با رویکرد فناوری، پیشرفت فنی و تکنولوژیک را عامل اصلی توانمندی یک جامعه دانسته‌اند. بسیاری از اقتصاددانان، سطح تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص ملی یا به عبارتی رشد اقتصادی را ملاک توانمندی یک جامعه دانسته‌اند. در ادامه این نوشتار با رویکردی ایجابی و سلبی عوامل توانمندی یک جامعه را مرور خواهیم کرد:

الف) عوامل جغرافیایی:

جغرافیا و موقعیت مکانی یک کشور که آن را می‌توان شانس اکولوژیک یک جامعه دانست، عاملی مهم در توانمندی و توسعه یک جامعه محسوب می‌شود، عموما کشورهایی که در مناطق معتدل آب‌وهوایی قرار گرفته‌اند، از توانمندی بالاتری برخوردارند برعکس کشورهایی که در مناطق گرم و خشک زندگی می‌کنند از وضع اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند چرا که آب و هوای متعادل بستری برای رشد و توسعه خلاقیت‌هاست.

نقش جغرافیا در کنار سایر عوامل در زمینه توانمندی اجتماعی غیرقابل انکار است، اگر چه می‌توان گفت توانمندی جامعه‌ای تنها به معنای داشتن شرایط جغرافیایی مناسب و داشتن معادن و ذخایر غنی نیست. در این زمینه می‌توان دو کشور ژاپن و نیجریه را مقایسه کرد، کشور نیجریه با این‌که دارای غنی‌ترین منابع نفتی در قاره آفریقا محسوب می‌شود، اما مردم این کشور از فقیرترین مردم دنیا محسوب می‌شوند، اما در مقابل کشوری مثل ژاپن در عین این‌که در منطقه زلزله‌خیزی قرار گرفته و با کمبود منابع طبیعی مواجه است، اما جزو قدرت‌های برتر جهان محسوب می‌شود.

ب) عوامل اجتماعی:

۱ هماهنگی منافع فردی و اجتماعی: اگر سیاست‌های اجتماعی منافع فردی را در نظر نگیرند، بین جامعه و فرد فاصله ایجاد می‌شود. از دید فرد، جامعه وقتی وجود دارد که برای او نقش و جایگاهی در نظر بگیرد. باید میان زندگانی فردی و زندگی جمعی رابطه کارکردی وجود داشته باشد. برای فرد بدون نقش و جایگاه، جامعه بی‌معنا، بی‌حساب و کتاب و بی‌شکل است. فرد بی‌ریشه و مطرود اصلا جامعه را نمی‌بیند. تنها چیزی که می‌بیند نیروهای اهریمنی است که درباره حیات و معاش او تصمیم می‌گیرند بدون این‌که او را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهند. درواقع بدون این‌که آنها را بشناسد یا فرصت شناخت به او داده شود. به کوری می‌ماند که در اتاقی ناشناس مشغول بازی است که قواعد آن را نمی‌داند.

۲ نگرش‌ها و ایستارهای فرهنگی درست و موثر: همه نظام‌های اجتماعی برای موفق‌شدن به مجموعه‌ای از نگرش‌های مناسب و کارآمد نیاز دارند. دشوارترین مسأله جا انداختن نگرش‌های درست در ساختارهای اجتماعی درست است.

محیط فرهنگی که در آن نوع خاصی از روحیه کارآفرینی شکل گرفته باشد، منجر به تحولات بنیادین اقتصادی در یک جامعه می‌شود. وبر در کتاب اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری این روحیه را عامل اصلی توانمندی اقتصادی جوامع غربی دریافته است. وی ویژگی‌هایی چون انضباط، سخت‌کوشی، صرفه‌جویی، به تعویق انداختن کامجویی، گردآوری ثروت بدون مصرف تجملی و افتخار به توفیق اقتصادی را ازجمله مهم‌ترین عناصر فرهنگی توانمندی اقتصادی جوامع اروپایی دانسته است.

۳ جسارت‌فردی و اجتماعی: توانمندشدن یک جامعه مستلزم جسارت و بی‌باکی در سطح فردی، خرد و کلان است. البته معنای جسور بودن برحسب زمان، مکان و مجموعه فناوری‌های در دسترس آنها متفاوت است. ویژگی همه انسان‌های اثرگذار همواره جسارت بوده است. اما جسور بودن فقط یک ویژگی فردی نیست. موفقیت اجتماعی مستلزم این است که جامعه‌ای مثل انگلستان به اندازه کافی جسور باشد که مشتاقانه در فناوری‌های اثبات نشده‌ای، سرمایه‌گذاری کند که منجر به پیدایش منسوجات، فولاد و راه‌آهن شود، همان چیزی که موجب پیشگامی صنعتی انگلستان شد.

۴ ایجاد زمینه برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و عاقلانه: تصمیمات عقلایی اعضای یک جامعه که فرصت‌های مناسب برای اعضا را فهم می‌زند نه‌تنها به سطح آموزش و سواد یک جامعه بستگی دارد، بلکه به ایجاد قدرت چانه‌زنی، ایجاد محیط مناسب برای گفت‌وگو و تضارب آراء کمک‌می‌کند.

۵ سرمایه اجتماعی: سرمایه‌اجتماعی حاصل پیوندها و تعاملات بین‌فردی و اعتماد متقابل است. یک جامعه توانمند دارای سرمایه‌اجتماعی بالا است. بوردیو، سرمایه‌اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه منابع بالفعل یا بالقوه که از شبکه روابط متقابل کمابیش نهادینه شده بین افراد ناشی می‌شده و موجب برخورداری کلیه اعضا از سرمایه جمعی و خلق اعتبار برای افراد می‌شود. کمبود سرمایه‌اجتماعی توانایی‌ها و پتانسیل‌های اجتماعی یک جامعه را حل مسائل و مشکلات فردی و جمعی کاهش می‌دهد.

۶ وحدت در عین کثرت: یک جامعه توانمند جامعه‌ای است که در عین این‌که تنوع و تکثر را پذیراست، دارای هماهنگی و وحدت است، در یک گروه ارکستر افراد با سازهای مختلف، صداهای متفاوتی را تولید می‌کنند، اما از هارمونی و هماهنگی سازهای متفاوت و با صداهای متفاوت، صدایی بسیار زیبا و دلپذیر خلق می‌شود که هیچ یک از نوازندگان به‌صورت انفرادی توانایی خلق آن را ندارند. در یک جامعه توانمند در عین این‌که هر کسی جایگاه و نقش خود را دارد، اما خود را متعلق به یک آرمان اجتماعی بزرگ می‌داند که برای همه قابل درک، نافع و ارزشمند است.

۷ توانایی در بازسازی و بازآفرینی نهادهای اجتماعی: جوامع به‌سرعت درحال تغییر هستند، نهادهای اساسی جامعه ازجمله ازدواج، خانواده و روابط خویشاوندی، رسوم و مناسک اجتماعی، سبک زندگی، نظام آموزشی، الگوی سکونت و... درحال تغییر و تحول هستند. این تغییرات برخی ناشی از ارزپذیری از فرهنگ‌ها و جوامع دیگر است و گاهی هم این تغییرات درونزا است. اما یک اصل همیشه برقرار است: اصل تغییر. تجربه نشان داده نادیده گرفتن تغییرات یا مقاومت در مقابل آن همواره منجر به پس‌افتادگی و تأخر می‌شود. یک جامعه توانمند همواره خود را با توجه به ریشه‌های تاریخی، دینی، فرهنگی و اجتماعی بازآفرینی و ترمیم می‌کند. جوامعی که قدرت بازسازی، ترمیم و بازآفرینی را نداشته باشند، دیر یا زود امواج بنیان‌کن جهانی شدن، آنها را در خواهد نوردید. لذا پایش و پالایش تغییرات اجتماعی برونزا باتوجه به عناصر فرهنگی درونی و سوی دیگر مشارکت فعالانه در ساختن فرهنگ، می‌تواند در توانمندی یک جامعه موثر باشد.